



### چکیده:

قالب مثنوی یکی از وجوه تمایز شعر فارسی از عربی است. با ارزش ترین آثار ماندگار ادب فارسی هم چون منظومه های زیبای مثنوی مولانا و عطار و آثار گران قدر فردوسی و سعدی، در این قالب ارائه شده است. قالب مثنوی پس از انقلاب اسلامی دست خوش تحولات بسیاری در مضمون، اوزان و واژگان گردید.

«علی معلم» آغازگر نوآوری هایی در این قالب پس از انقلاب است. او با زبانی فخیم و حماسی، مضامین استوار و باشکوه ایمان، عقیده و عشق به ارزش های والای مکتبی را در قالب مثنوی ارائه کرده است. درخشش «علی معلم» با انتشار دفتر «رجعت سرخ ستاره» نمایان شد و او را به عنوان شاعری ابداعگر و صاحب سبک مطرح کرد.

باستان گرایی در زبان (به صورت استفاده از واژه های کهن و دور از ذهن و استفاده از دانش های ادبی و دینی)، فراوانی تلمیحات و پیچیدگی بیان و معانی و آمیختگی حماسه و عرفان، از مهم ترین ویژگی های مثنوی های «علی معلم» است.

مشهورترین آثار ماندگار ادب فارسی ساخته است. منظومه های زیبای نظامی، مثنوی های بلند و عرفانی مولانا و عطار، شاه کار فردوسی و اثر تعلیمی گران قدر سعدی و دیگر مفاخر ادب فارسی در این قالب، منظور نظر اندیشمندان ادب فارسی

محتوا و مضمون داستان پردازی، بیان حکایات طولانی و رابطه ی بین مفاهیم و معانی موجود در مثنوی ها با وزن و موسیقی بیرونی، این قالب را پذیرای موضوعات متعددی چون حماسه، عشق، عرفان، تعلیم و حکمت نموده و آن را ظرف مناسبی برای

### واژگان کلیدی:

مثنوی- علی معلم- انقلاب اسلامی- قافیه- ردیف- موسیقی کلمات- باستان گرایی و وزن بلند- وزن کوتاه.

قالب مثنوی یکی از وجوه تمایز شعر فارسی از عربی است؛ زیرا مثنوی را شاعران فارسی زبان پدید آورده اند- هر چند این قالب با نام مزدوجه در شعر عرب متداول است. ساختار ظاهری مثنوی با ویژگی هایی چون تعداد زیاد ابیات، اوزان نسبتاً کوتاه،

# مثنوی

## در شعر علی معلم دامغانی

✦ میرالسادات منیرا قزوینی

نویسنده

میرالسادات هزبر (پروچرد، ۱۳۴۴)  
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی از  
دانشگاه آزاد اسلامی و دبیر دبیرستان‌ها و  
مراکز پیش‌دانشگاهی خزرین و مدرس زبان و  
ادبیات فارسی عمومی در دانشگاه علوم  
پزشکی قزوین است.

که سبک اولیای دین ما در سرودن شعر و مقاصد شاعری بوده به سطح دکلمه بردم که مجال بحث در آن بیش تر است و این کاری است که بسیاری از شعرا انجام داده‌اند؛ یعنی زبان آوازی را در شعر رها کرده و زبان دکلمه را برگزیده‌اند و من سعی کرده‌ام از همه‌ی ظرفیت‌های زبان دکلمه استفاده کنم و آن را به زبان آوازی آوردم که این کار بالطبع روی مفردات، ترکیبات و اصطلاحات شعر من اثر گذاشته است و بارهای معنایی شعر من نیز به وسیله‌ی این‌ها کشیده می‌شود و اثر این مثنوی‌ها روی غزل‌های دیگران بیش تر است. <sup>۱</sup> در نخستین نگاه به مثنوی‌های «رجعت سرخ ستاره»، کاربرد وزن‌های تازه و غیر معمول در این قالب کهن و آزموده‌ی شعر فارسی جلب توجه می‌کند که با معیارهای دیگری چون موسیقی، زبان فخیم و درون‌مایه‌ی خاص، تازگی و استقلال خاصی در شعرش ایجاد کرده:

غم تو را به کدامین دماغ برخوانیم  
چگونه داغ تو در گوش باغ برخوانیم  
مصیبت تو، که پیش امام خواهد برد  
کدام جرئت باغی پیام خواهد برد.

(رجعت سرخ ستاره، ص ۸۷)

استاد معلم، آغازگر نوآوری‌های پدیدآمده در این قالب شعری و معمار مضامین استوار و باشکوه ایمان، عقیده و عشق به ارزش‌های والای مکتب تشیع است. زبان او حماسی و پرشور است و به رغم باستان‌گرایی وی در برخی ابیات و اشعار، در ادب معاصر فارسی بدیع و فخیم قامت افراشته است.

دشواری زبان شعر علی معلم در حوزه‌ی واژگان، تا حدی «منوجهری دامغانی» را تداعی می‌کند؛ با این تفاوت که معلم دنیایی از معنا و معنویت را در شعر هایش به تصویر کشیده است.

درخشش و ظهور وی در شعر فارسی با انتشار دفتر «رجعت سرخ ستاره» نمایان شد و از این طریق تحولی تازه و چشم‌گیر در پهنه‌ی شعر و شاعری به وقوع پیوست.

شعر او از جهات مختلف (زبان، موضوع و درون‌مایه) هویتی مستقل دارد و او را به عنوان شاعری ابداع‌گر و صاحب‌سبک مطرح می‌کند. معلم، شاعری است که جهان را از دریچه‌ی معیارهای فکری و اعتقادی خویش دیده و از سنت‌های شعری موجود به هیچ وجه پیروی نکرده؛ پس طبیعی است که بیان او با تمام ویژگی‌های طبیعی و معمول شعر روزگار او فرق دارد. او می‌گوید: «من از اوزان غیر معمول در مثنوی استفاده کردم و با این کار هم آگاهانه تغییراتی در مثنوی ایجاد کردم و برخی شاعران جوان از جمله شاعران افغانی این کار مرا ادامه دادند و هم کلام را از سطح آوازی-

در ایران و جهان است. هدف این مقاله نیز بررسی قالب مثنوی و کیفیت مثنوی‌سرایی در شعر شاعر معاصر، استاد «علی معلم دامغانی» است.

قالب مثنوی در دو دهه‌ی اخیر دست‌خوش تحولات بسیاری گشت. این تحولات، چه در مضمون و چه در اوزان و واژگان و اصطلاحات، در مجموع، نوع متمایزی از مثنوی را به وجود آورد. اگرچه قلمرو مثنوی در دوره‌ی انقلاب اسلامی نیز هم‌چنان زمینه‌ای مناسب برای بیان روایی یا خطایی در شعر است، اما فراوانی اشارات و تلمیحات دینی و ادبی و تاریخی در شعر چند شاعر ممتاز و مستقل، تحولات زیادی در این قالب ایجاد کرده است. شاخص‌های سبکی از قبیل گزینش کلمات، وزن، ویژگی‌های قافیه و ردیف، گستردگی تخیل، باستان‌گرایی و وجود تلمیحات فراوان در شعر شاعران انقلاب اسلامی، به نوعی برخی از آنان را دارنده‌ی سبک و شیوه‌ای ممتاز از دیگران نموده است. درون‌مایه‌ی مثنوی بیش از ساختار ظاهری آن در این دوره متحول شد. آرمان‌گرایی مکتبی و گرایش شدید به اندیشه‌های اخلاقی و مذهبی در مکتب تشیع، بروز حوادث اعجاب‌انگیز در انقلاب اسلامی و رویارویی هنر با خواست‌های متعالی و ارزشمند، فصلی تازه در شعر شاعران این دوره گشود و تحولی عمیق و ژرف در هنر مثنوی‌سرایی ایجاد شد که شاخص برتر آن «علی معلم دامغانی» است.

## ویژگی های مثنوی در شعر علی معلم

علی معلم حدود هشتاد درصد مثنوی هایش را در وزن های بلند و متوسط (حدود پانزده هجا) سروده است؛ توجه زیاد به موسیقی کناری که با به کارگیری ردیف در اغلب ابیات مثنوی ها، تأثیر موسیقی شعر را تا حد پوشانیدن عیب های جزئی قافیه بالا می برد، از ویژگی های شعر اوست. او در این باره می گوید: «هر کلامی یک موسیقی هم راه دارد و کلام فارسی با موسیقی سنتی و ردیف پیوندی خاص دارد.»<sup>۲</sup> ردیف های مثنوی «تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما» از دفتر «رجعت سرخ ستاره» قابل توجه و تأمل است.

توجه به موسیقی کلمات به صورت ایجاد قافیه های درونی و استفاده از آرایه ای موازنه و سجع و ترصیع در میان مصراع ها، یکی دیگر از ویژگی های شعر علی معلم است. ای وجد مفتونت رسید از ره بر آشوب ای نجد مجنونت رسید از ره بر آشوب می رفت و با او شوکت صد روح بر اوج می رفت و با او هیبت صد نوح بر موج (از مثنوی هجرت، ص ۱۲۱ و ۱۲۵)

از سوی دیگر باستان گرایی در زبان به صورت استفاده از واژه های کهن و دور از ذهن و تعبیرات غیر معمول و استفاده از دانش های دینی و ادبی، در سطح خاصی که برای بسیاری از خوانندگان شعر او ناآشناست و به زمینه ی مطالعاتی وسیعی نیاز دارد، در اشعار معلم به کرات دیده می شود.

سفر به قاره مانده قاف حکمت قرآن چنان که قصه ی سیمرغ در فسانه ی داستان به نجد بر اثر لیلی از نخילה سفر کن شبی به عادت مجنون این قبیله سفر کن به دست گیری مردان به نام نیک تمیزان شبی ز فتنه ی عقرب درآ به خانه ی میزان شبی به صحبت او شو که سرآینه بینی شکوه مرد سفر را در او معاینه بینی

شبی به نام تفریح به بیکرانه ی قرآن به ناخدایی طبعش درآ به کشتی «میزان» (از مثنوی، برای علامه طباطبایی، صص ۸۰ و ۸۲)

ویژگی دیگر، فراوانی تلمیحات و پیچیدگی بیان و مضامین آن هاست. که شعر علی معلم سرشار از این اشارات تاریخی و دینی است. و در جای جای شعرش به گوشه ها و نکات برجسته ای از تاریخ زندگی پیامبران اشاره می کند.

هاجر فراز قلّه غمناک ایستاده بر صخره ابراهیم چالاک ایستاده مر لوط را بر قوم خود قیوم کردند او را به هجرت راهی سدوم کردند طالب به کنعان آمد و مطلوب را برد سودای راحیل آمد و یعقوب را برد یوسف حکایت را بر اهل خویشتن برد از عیش خسرو قصه پیش کوه کن برد موسی به ذوق جذبه ی پنهان، کنش یافت بر سفره ی فرعونیان از او خورش یافت در گرمگاه نیستی در سوگ توحید عطر محمد در دماغ مکه پیچید خواندند از تکبیر و وحیش بیم هجر دیدند در دیدارش ابراهیم دیگر

از «مکه تا طف» از حسین حیرتی نیست هر کس که خون آلود زخم هجرتی نیست (رجعت سرخ ستاره، صص ۱۰۸-۱۳۵)

یکی دیگر از ویژگی های شعر معلم وجود تکرار، چه به صورت یک کلمه در بیت و چه به صورت تکرار یک یا چند بیت، عیناً یا با تفاوت های اندک در یک شعر است.

آی صحرا آی صحرا آمدیم  
آی صحراهای دریا آمدیم  
آی صحراهای خون گرم اسیر  
آی صحرای تهی دامان کویر

(همان، ص ۳۶)

همان همان برادرم که رود شد روانه شد در این سفر پگاه تر نشست و بر کرانه شد

(همان، ۹۰)

و تکرار مصراع ها یا ابیاتی در طول شعر؛ این فصل را با من بخوان باقی فسانه است این فصل را من تازه خواندم عاشقانه است (همان، ۶۳)

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید بر خشک چوب نیزه ها گل کرد خورشید (همان، ۶۶)

آمیختگی حماسه و عرفان در مثنوی های علی معلم، مهم ترین ویژگی مثنوی های اوست. این دو در تاریخ ادب و فرهنگ ما عموماً قرابتی با هم نداشته اند اما در دوره ی انقلاب اسلامی به هم نزدیک شدند. همین مهرسید چه قوم اند که ماییم آخر خوه نه ماییم که ماییم و شماییم آخر از چه بحریم، مهرسید که جویم این جا قاپویم و بیویم و بجویم این جا جمه سو گشته ی اویم که او سرگشته است صورت اوست اگر آینه دیگر گشته است دل تماشایی بهر است اگر بی کینه است که جهان آینه در آینه است

(از مثنوی کوچ، سخن از حسن روان، ص ۱۰۲)

علی معلم در مورد این آمیختگی و ضرورت آن در اثبات معاصر و شعر امروز می گوید:

«اکنون در دوره ای زندگی می کنیم که از لحاظ فرهنگی، تمام ذخیره های گذشته به کارمان می آید؛ یعنی تمام اساطیر، قصه های پهلوانی و افسانه ها، با دیدگاه قرآنی و نسبت دینی که بدانها برقرار می کنیم، می تواند مورد استفاده باشد.»

در ادامه ی بحث به بررسی چند مورد از مثنوی های برجسته ی این شاعر می پردازیم.

دفتر «رجعت سرخ ستاره» هرگز غایب نیست ۱۹ مثنوی و تعدادی غزل است. از مثنوی های قبل از انقلاب شاعر، چند نمونه با ابیاتی از آن ها و معرفی وزن هر یک ذکر می شود.

## مثنوی اول دفتر:

به شهوت شب محتوم چون فرو گیرد  
شبی که بستر آب از ستاره شو گیرد  
مگو به یأس برادر که رنگ شب تازه است  
قسم به فجر، قسم، صبح پشت دروازه است  
(ص ۱۳)

این مثنوی در بحر مجتث (مفاعلهن  
فعلاتن مفاعلهن فعلن) سروده شده و ۵۴ بیت  
دارد. مضمون آن نوید پایان یافتن شب ستم  
و اختناق و ظلمت دوران طاغوت است.

مثنوی دوم با عنوان: «می روم تا کبود  
حقارت... بعمه می بی کسی را زیارت»  
دشت تب، باغ گل، شهر افسون  
کوچه های مه آلود ایون  
کوچه ای گم شدن در سیاهی  
کوچه ها کوچه های تباهی  
این منم اینک از خود گسسته  
با خرابی دو هم پانگسسته  
هر سه افسرده دل هر سه محزون  
نشسته در نشسته، افیون در افیون  
(صص ۲۰-۲۳)

وزن این مثنوی همان وزن «افسانه» است  
نیماس است. «فَاعِلُن فَاعِلُن فَعْلُ» که در ۴۰  
بیت سروده شده و مضمون آن حکایت  
بی خبری و فرورفتن در خلصه ی هفتت و  
جهل در دوره و زمانی است که عیار تگراف  
بیگانه، کشور ما را در اختیار داشته؟ مردم  
اغلب غرق روزمرگی بودند و همه چیز  
وارونه شده بود؛ ارزش ها رو به ویرانی  
می رفت و مردی و مردانگی از یاد رفته بود.  
مرگ مردی و فرهنگمان داد  
ننگمان ننگمان ننگمان داد  
(ص ۲۴)

مضمون مثنوی دیگری به نام «باور کنیم  
سبکه به نام محمد (ص) است»، که بر وزن  
«مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» سروده  
شده، بازگشت حضرت مهدی (عج) است

و رجعت سرخ بدین معناست که آن حضرت  
با شمشیر قیام خواهد کرد و این قیام، خونین  
خواهد بود و اسلام همه ی جهان را خواهد  
گشود. پس سبکه ی دولت به نام حضرت  
محمد (ص) است. «واژگان کهنه و باستانی  
در این مثنوی، همراه با نام های پیامبران و  
کتاب آسمانی آن ها فراوان به کار رفته است.

از سفر فطرت از صحف از مصحف از زیور  
راوی بخوان به نام تجلی به نام نور  
گردید چرخ و خاک فلک کو به کونشست  
آدم رهید و نوح به جودی فرو نشست  
(صص ۴۶-۴۷)

در این مثنوی باشکوه و فخیم و پر مایه،  
به بسیاری از درخشش های تاریخ ادیان  
به خصوص اسلام اشاره شده و شاعر به  
زیبایی، شکوه انتظار مهدی موعود (عج) را  
به تصویر کشیده است.

خونین به راه دادرسی ایستاده ایم  
چون لاله داغ دار کسی ایستاده ایم  
(ص ۴۹)

روانی و گیرایی زبان علی معلّم در  
قیمت های خطابی مثنوی رجعت سرخ  
ستاره، بیانگر تسلط او بر زبان و کلام روان  
و نابغه ای است که در بسیاری از مثنوی ها  
به لحاظ وجود درون مایه ای خاص، آن را  
به کمال نمی گیرد و فخامت شعر او در  
گسترده گی معنا و مطلب در مصراع ها و ابیاتی  
محدود و موجز است.

مثنوی بعدی در سوگ شهید «دکتر علی  
شریعتی» است با عنوان: «سپه پیوش برادر  
سپیده را کشتند» که با استفاده از آرایه ی  
معنوی تضاد در این مصراع و دیگر صور  
خیال هم چون جناس، واج آرایی و فراوانی  
اشارات و تلمیحات تاریخی اسلام و سایر  
ادیان الهی، تخییل و تشجیع خاصی برای  
خواننده ایجاد می کند.

گزین شدند و سوار گزیده را کشتند  
سپه پیوش برادر سپیده را کشتند

به ترک چشم در آغاز شب روانه شدیم  
دو رودخانه برادر دو رودخانه شدیم  
یکی به هیبت هایلیان رهرو خوش  
یکی به هیبت قایلیان برادر کش  
(صص ۵۱-۵۲)

وزن شعر بسیار متناسب برگزیده شده؛  
هم زمان با اوج گیری هجاهای بلند آن در وزن  
«مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن» نوید تعالی و  
معنویت نیز اوج می گیرد و شعر شکوهی  
خاص می یابد:

بیا به نام شهیدان ره، به کار شویم  
کفن پیوش که با یک دگر سوار شویم  
(ص ۵۳)

مثنوی «تاوان این خون تا قیامت ماند بر  
ما» در سوگ سالار شهیدان، حسین (ع)  
است با این مطلع:

روزی که در جام شفق مل کرد خورشید  
بر خشک چوب نیزه ها گل کرد خورشید  
شید و شفق را چون صدف در آب دیدم  
خورشید را بر نیزه گویی خواب دیدم  
خورشید را بر نیزه؟ آری این چنین است  
خورشید را بر نیزه دیدن سهمگین است  
(ص ۶۳)

که بیان مفاهیم در آن هم تحسین برانگیز  
است و هم از لحاظ هنری زیبا، تازه و  
الگووار و در هر بیت با ایجازی تمام یک گریز  
به واقعه ای می زند تا به صدر اسلام می رسد  
و وقایع خونین و غمگین آن:

من با صبوری کینه ی دیرینه دارم  
من زخم داغ آدم اندر سینه دارم  
من زخم دار تیغ قایلیم برادر  
میراث خوار رنج هایلم برادر  
یوسف مرا فرزند مادر بود در چاه  
یحیی! مرا یحیی برادر بود در چاه  
از نیل با موسی بیابان گرد بودم  
بر دار با عیسی شریک درد بودم  
من با محمد از یتیمی عهد کردم



با عاشقی میثاق خون در مهد کردم  
(ص ۶۴)

سپس به واقعه‌ی کربلا و شهادت  
مظلومانه‌ی امام حسین (ع) می پردازد:  
از پا حسین افتاد و ما بر پای بودیم  
زینب اسیری رفت و ما بر جای بودیم  
در این جا شاعر با نوعی «خوداتهامی»  
ادامه می دهد:

بی درد مردم ما خدا بی درد مردم  
نامرد مردم ما خدا، نامرد مردم  
(ص ۶۵)

و صبوری و تحمل این واقعه را سخت  
و زهرآلود می داند و معتقد است که از آن روز  
تاکنون:

در برگ ریز باغ زهرا برگ کردیم  
زنجیر خائیدیم و صبر مرگ کردیم  
(ص ۶۶)

مثنوی بلند «هجرت» که شاید  
باشکوه ترین و پرمحتواترین مثنوی علی معلم  
باشد. در ۴۵۶ بیت و بر وزن «مستفعلن  
مستفعلن مستفعلن» است. ویژگی های  
ردیف و قافیه در این مثنوی، محدود به  
سلامت قافیه یا کاربرد معمول ردیف  
نمی شود؛ او به دنبال اشتراک بیش تر در  
حروف و موسیقی قافیه ها، هم از قافیه های  
استوار و استخوان دار بیش تر استفاده کرده

است و هم از ردیف های طولانی تر؛ زیرا  
«ردیف در مثنوی های علی معلم نه تنها نقش  
مکمل قافیه، بلکه تقریباً نقشی هم تراز با آن  
را در القای موسیقی ایفا می کند.»<sup>۵</sup> ابیات  
فاقد ردیف در مثنوی هجرت بسیار اندک  
است. ردیف های بلند آن، آهنگ موزون  
قافیه و هم راهی موسیقی در این وزن نسبتاً  
بلند را حفظ کرده و در جهت کم رنگ شدن  
قافیه جبران کننده است.

وادی به وادی می روند این کاروان ها  
تا شهر شادی می روند این کاروان ها  
از باغ اهل وجد چیدم این حکایت  
با راویان نجد دیدم این روایت  
جویند اگر آشفته را در نجد جویند  
گویند اگر ناگفته را در وجد گویند

آوردن قافیه های متعدد در یک بیت، از  
دیگر ویژگی های شعر اوست که در مثنوی  
هجرت فراوان از آن بهره گرفته. هم چنین  
استفاده از قافیه های درونی در دو مصراع یک  
بیت:

راه عروج سرخوشان تا بی نشان است  
راه فرود مهوشان از کلهکشان است  
درون مایه‌ی این مثنوی بلند بسیار غنی و  
قوی است و می شود گفت به تمام  
سرفصل های تاریخ حیات انسان، از آدم تا  
خاتم و نهایتاً توصیه به هجرت از درون  
خویش و پیوستن به امام اشاره می کند. شاعر  
در این مثنوی از تعبیر خاص تورات و دیگر  
کتب آسمانی استفاده کرده است به طوری که

بی اطلاعی از آن ها، فهم شعر را دشوار  
می سازد. گذشته از مواردی که گفته شد،  
زبان حماسی و پهلوانی و لهجه‌ی خاص  
بیابانی او و حضور دائمی بینش تاریخی و  
مذهبی اش در این مثنوی مثل مثنوی های  
دیگرش جلب توجه می کند. «در این مثنوی  
طولانی جا به جا و در یادکرد تاریخ، معلم از  
«مایه» یاد می کند که عمری به قدمت تاریخ  
انسان دارد و آن جا که سخن از وقایع صدر  
اسلام است، این «ما» هزار و چهار صد ساله  
است که در صحنه های تقابل حق و باطل  
حضور دارد.»<sup>۶</sup>

یاد شهیدانی که در بدر آر میدند  
نامردم آزدند و مردی آفریدند  
یاد احد یاد بزرگی ها که کردیم  
آن پهلوانی ها، سترگی ها که کردیم  
شب گیر ما در روز خبیر یاد بادا  
قهر خدا در خشم حیدر یاد بادا

(ص ۱۳۸)

در مجموع می توان علی معلم را استاد  
گنجانیدن مفاهیم بلند و حکایات دامنه دار در  
بطن مکتب و بیان ویژگی های انسان های  
بزرگ و کارهای سترگ آن ها در قالب مثنوی  
دانست. تلاش وی برای تلفیق عرفان و  
حماسه و به کارگیری کلام ادیبانه و قدیمی  
برای بیان مفاهیم جدید در شعر فارسی قرن  
چهاردهم، تحسین برانگیز است.



### کتاب نامه

- ۱- ادبیات نوین ایران (از انقلاب  
مشروطیت تا انقلاب  
اسلامی) آژند- یعقوب،  
تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۲- انواع شعر فارسی، رستگار  
فسایی- منصور، شیراز،  
نوید، ۱۳۷۳.
- ۳- حرفی از جنس زمان (تأملی

### زیر نویس

- ۱- چکیده‌ی گفت و گو با استاد  
علی معلم در تاریخ ۹/۲۹/  
۷۸.
- ۲- چکیده‌ی گفت و گو با استاد  
علی معلم در تاریخ ۹/۲۹/  
۷۸.
- ۳- گفت و گویی با استاد علی معلم  
احماسه، عرفان، شعر  
اول، ۱۳۷۲.

- ۴- در شعر انقلاب اسلامی،  
میرجعفری- سیداکبر،  
تهران، نشر قو، ۱۳۷۷.
- ۵- رجعت سرخ ستاره، معلم-  
علی، حوزه‌ی اندیشه و هنر  
اسلامی، آذر ۱۳۶۰.
- ۶- شعر امروز، باقری- ساعد،  
محمدی نیکو- محمدرضا،  
تهران، انتشارات  
بین المللی الهدی، چاپ  
اول، ۱۳۷۲.